

عهد و گفتگو



تفسیر پاراشای هفته
توسط ربای ساکس

تفسیر پاراشای هفته: **آخَرֵי מוֹת 5779**

فکر کردنِ سریع و کند

ربای لرد جاناتان ساکس

Thinking Fast and Slow

(Acharei Mot 5779)

با بررسی کشف‌های جدید علم عصب‌شناسی در کنار سنت میدراش‌های تلمودی، می‌توانیم نور تازه‌ای بر معنای رمز مرکزی یوم کیپور بیفکنیم: دو بز با شباهت ظاهری که کوهن‌گودول از میان آنها یکی را به قید قرعه برگزیده، به عنوان فدیۀ گناهان، قربانی می‌کند و بز دیگر را که بزِ بلاگردان نام دارد در بیابان رها می‌کند تا بمیرد.

در بخش‌های پیشین "عهد و گفتگو" به بزِ بلاگردان در سنت یهودی و معنای بسیار متفاوت آن در سنت‌های دیگر پرداختیم. ولی ابعاد دیگری در این مراسم آیینی هست که شرح و تفسیر بیشتری طلب می‌کنند. استدلال کردیم که دو بز وجود داشت، زیرا یوم کیپور نماینده یک روند دوگانه کپارا [کفاره] و طهارا [طهارت] است به نشانه تقصیر و شرمندگی. اما این

نشان نمی دهد که چرا دو جانور می باید تا حد ممکن به هم شبیه باشند، و یا توضیحی برای چرایی قرعه انداختن (گارولوت) ندارد. فرض بر این است که این اجزاء برای آن طراحی شده بودند که احساس های هیبت و توبه را در جمعیت حاضر در معبد به هنگام مقدس ترین روز سال برانگیزند. اما چگونه و از چه راهی؟

در طول قرن ها حکیمان برای گشایش این رمز کوشیدند. دو جانور شبیه در ظاهر، ولی دارای سرنوشتی متفاوت، ایده دوقلوها را به ذهن می رسانند. این نکته و سرخ های دیگر، میدراش، زوهر و تفسیرگران کلاسیک از جمله موسی بن مایمون و ابرابانل را به این نتیجه گیری رساند که به گونه ای، دو بز، نماد مشهورترین دوقلوی تورات بودند: یعقوب و عساو.

سرخ های دیگری نیز وجود دارند. واژه سئیر به معنای بز، در تورات با عساو تداعی شده است. او و فرزندانش در سرزمین سئیر می زیستند. واژه سئیر در ارتباط است با سیئار به معنای پرمو، که عساو این گونه به دنیا آمده بود: "تمام بدن او مانند یک لباسی بافته شده از مو بود" (پیدایش ۲۵:۲۵). وقتی ربیکا یعقوب را واداشت خود را به جای عساو جابزند تا حق اولزاد به یعقوب برسد، یعقوب گفت: "برادرم عساو مردی پرمو، سیئار، است در حالی که من پوستی صاف دارم" (پیدایش ۲۷:۱۱). بر اساس میثنا یک نخ قرمز با بزبلاگردان همراه بود و قرمز (ادوم) هم از نظرگاه دیگری، نشانگر عساو است. عزازل، مکان یا موجودی اسرارآمیز که بز را به سوی آن می فرستادند، سامائل یا فرشته نگهبان عساو بود.

به ویژه عبارت دو بز جوان، *shnei se'irei izim* در شرح مراسم آیینی کوهن گادول ما را به یاد عبارت "دو بز جوان" *shnei gedi'ei izim* در پیدایش ۲۷ - روایت فریب یعقوب - می اندازد. اسحق از عساو خواسته بود که برای او پرنده ای وحشی شکار نموده و خوراکی

تهیه کند تا او بتواند برکتش کند. ریوکا به یعقوب می گوید به سراغ گله برو و برای من دو بز جوان انتخاب کن تا خوراکی خوشمزه برای پدرت به روشی که دوست دارد، بپزم. این توازی های زبانی در تورات اتفاقی نیستند. آنها بخشی از مناسبات درون متنی زیربنای تورات هستند. نثر تورات، بافتی دقیق دارد که در آن یک آیه، معنای آیه دیگر را روشن می سازد.

به این ترتیب، دو بز در مراسم آیینی کوهن گادول به شکل های گوناگون، دو شخصیت یعقوب و عساو را به یاد می آورند، به ویژه صحنه ای را که یعقوب با پوشیدن لباس های عساو و القای حس و بوی او به پدر وانمود کرد که عساو است. در آن هنگام بود که یعقوب در پاسخ به پرسش پدر که "پسرم کیستی؟" این کلمات را به زبان آورد: "من اولزاد تو عساو هستم" و این پاسخ را از اسحق گرفت: "صدا صدای یعقوب است، ولی دست ها، دستان عساو هستند" (پیدایش ۲۷:۲۲).

در این صورت، عساو و یعقوب که بودند؟ آنها چه چیز را نمایندگی می کردند و این چه ربطی به یوم کپیور و کفاره گناهان دارد؟ سنت میدراشی [در تلمود] گرایش دارد که یعقوب را کامل و عساو را یک فرد شرور تصویر کند. اما خود متن تورات، سایه روشن های بیشتری دربردارد. عساو یک چهره شرور نیست. پدرش به او مهر می ورزید و خیال داشت او را برکت کند. حکیمان تلمودی می گویند که عساو از یک نظر یعنی احترام گذاشتن به پدر، یک سرمشق برتر بود.¹ در سفر تثئیه موسی چنین فرمان می دهد: "به اهل سرزمین ادوم نفرت نورز [یعنی به نسل عساو]، زیرا او برادر تو است" (تثئیه ۸:۲۳).

¹ See Shemot Rabbah 46:4, Bamidbar Rabbah 1:15.

عساو در تورات نمونه شرارت نیست. بلکه، مردی دارای انگیزش‌ها و واکنش‌های آنی است. این خصلت را در صحنه‌ای شاهد هستیم که او حق اولزادی خود را به یعقوب می‌فروشد. او پس از خستگی یک روز شکار می‌آید و یعقوب را در حال پختن خوراک عدس می‌بیند:

او به یعقوب گفت: "زودباش! بگذار من از آن خوراک قرمز بخورم! سخت گرسنه-ام!" ... یعقوب در جواب گفت: "اول، حق اولزادی خود را به من بفروش". عساو گفت: "بنگر که من دارم از گرسنگی می‌میرم. حق اولزادی به چه درد من می‌خورد؟" اما یعقوب گفت: "ابتدا برای من سوگند بخور!" به این ترتیب، عساو برای یعقوب سوگند خورد و حق اولزادی خود را به یعقوب فروخت. سپس یعقوب به عساو مقداری نان و خوراک عدس داد. عساو خورد، نوشید و سپس برخاسته، بیرون رفت. پس، عساو به حق اولزادی خود علاقه نداشت (پیدایش ۳۴-۳۰:۲۵).

این روایت فشرده و پرکشش در مورد تصمیم شتابزده عساو برای فروش بخشی از میراث خود در برابر یک کاسه خوراک، با توصیفی منحصر به فرد از رفتار عساو در قالب پنج فعل پشت سر هم (عین کلمات: عساو خورد، نوشید، برخاست، بیرون رفت، علاقه نداشت) تشدید می‌شود.

هر گاه ما [در روایت‌های تورات] به عساو برمی‌خوریم، از او یک چهره‌دارای انگیزش‌ها و واکنش‌های آنی تجسم می‌کنیم که همواره زیر تاثیر عواطف لحظه‌ای عمل می‌کند، خواه در وقت گرسنگی، سرسپردگی فرزندی، میل به انتقام، یا سرانجام سخاوت روحی.

یعقوب برعکس است. او مهار خود را به احساساتش نمی سپارد. او بلندمدت عمل و فکر می کند. این همان رفتار یعقوب است وقتی فرصت خریدن حق اولزادی عساو پیش می آید، وقتی برای هفت سال برای ازدواج با راخل کار می کند (دوره ای که برای او چیزی جز چند روز نمی نمود)، و وقتی شرایط دستمزد خود را با لاوان جا می اندازد.

تورات با انتقاد به پسر او یوسف برای فخرفروشی درباره خواب های خود به ما می گوید که بردران به یوسف حسادت می کردند، "ولی پدرش موضوع را در ذهن خود نگه داشت". یعقوب هرگز رفتار آنی انجام نمی دهد. او پیش از تصمیم گیری، مدتی طولانی به طور جدی فکر می کند. او نه تنها با تصمیم گیری و عمل آنی بیگانه است، بلکه در وجود فرزندان خود این رفتارها را مورد انتقاد قرار می دهد. او در بستر مرگ، سه فرزند بزرگ خود را به این ترتیب نکوهش می کند:

رئوبن! تو اولزاد من هستی... تو مانند آب ناپایداری و پیشرفت نخواهی کرد...
شیمون و لوی... بر خشم آنها لعنت که آتشین و کینه آنها که بیرحمانه است!
(پیدایش ۷-۳:۴۹)

عمل کردن بر پایه خشم و انگیزش آنی از دید یعقوب نشانه ای است از شخصیت بی ارزشی که نمی خواهد با آن تداعی شود.

این همه چه ربطی با گناه، سرپیچی، کفاره و دو بز دارند؟

در سال های اخیر، درک ما از مغز انسان و به همراه آن درک ما از ذهن بشر به مراحل پیشرفته رسیده است. یک متن کلیدی در این زمینه، کتاب آنتونیو داماسیو به نام *خطای دکارت* است.²

داماسیو چیزی غیرمعمول دربارهٔ بیمارانی کشف می کند که در بخش پیشین قشر خاکستری مخ دچار آسیب مغزی شده بودند: توانایی آنها برای فکر کردن تغییر نکرد، ولی توانایی آنها برای احساسات تقریباً به صفر رسید. نتیجه این که تصمیم گیری برای این گونه بیماران ناممکن می شود. آنها می توانند تا ابد استدلال کنند، ولی قادر نیستند روی عمل مشخصی تصمیم بگیرند.

کارهای متعدد دیگری نشان داده اند که دکارت و کانت به اشتباه تصور می کردند که ما در درجهٔ نخست و بیشتر، جانورانی عقلانی هستیم. دیوید هیوم درست می گفت که ما در درجهٔ اول موجوداتی عاطفی هستیم که تصمیم های خود را بر اساس احساسات، امیال و انگیزش هایی درونی می گیریم که شاید دربارهٔ آنها به ندرت خودآگاه باشیم. ما برای گزینش های خود دلیل تراشی می کنیم، ولی موارد اسکن مغز نشان می دهند که ممکن است این گزینش ها را پیش از خودآگاه شدن نسبت به آنها انجام داده باشیم. ما بیشتر زیر انگیزش عواطف و کمتر آن گونه که متفکران روشنگری تصور می کردند، متأثر از خردورزی هستیم. این کشف، به پی ریزی رشته های جدیدی انجامید چون اقتصاد رفتاری³ (مطالعهٔ رفتار آدم ها در واقعیت، نه بر اساس تئوری)، هوش عاطفی، و مطالعات بینارشته ای که عصب شناسی را به اخلاق و سیاست ارتباط می دهند.

² Antonio R. Damasio, *Descartes' Error: Emotion, Reason, and the Human Brain* (New York: Putnam, 1994).

³ behavioural economics

ما در واقع یک سیستم دو گانه یا مغز دو نیمکره ای داریم. دانیل کانمان به همین موضوع در عنوان کتاب مشهور خود به نام فکر کردن سریع و کند اشاره دارد.⁴ یک نیمکره، سریع، غریزی، عاطفی و ناخود آگاه است. نیمکره دیگر کندتر، خود آگاه، ملاحظه کار و محاسبه گر است. اولی به ما امکان واکنش سریع در شرایطی را می دهد که خطر آنی بالقوه وجود دارد. بدون این بخش از مغز، ما و نیاکان ما قادر به بقا نمی بودیم. بسیاری از واکنش های غریزی ما مفید هستند. طبیعی است که همحسی داشته باشیم و در اثر گرایش به حس کردن درد انسان ها به کمک آنها بشتابیم. در ما حس وابستگی نیرومندی پدید می آید که ما را به دفاع از اعضای خانواده و جامعه خود وامی دارد. اما همه رفتارهای غریزی، خوش خیم نیستند. خشم، حسادت، ترس، نفرت، میل به انتقام و غبطه، شاید زمانی کاربرد داشته اند، اما اغلب در شرایط اجتماعی عمیقاً ویرانگر هستند. از این رو است که توانایی فکر کردن کند، درنگ کردن و اندیشیدن، بسیار اهمیت دارند. همه جانوران دارای امیال هستند. تنها انسان ها قادرند درباره امیال، داوری کرده، از خود پرسند "آیا باید یا نباید این میل را ارضا سازم؟"

این کشف های اخیر در عصب شناسی و زمینه های مجاور آن حرف جدیدی به ما نمی گویند. بلکه، آنها درستی دیدگاهی را که توسط عقل گرایی روشنگری مردود شده بود، دوباره به اثبات رساندند. ما بدون عواطف نمی توانیم زنده بمانیم، انتخاب کنیم یا عشق بورزیم. ولی یکی از بن مایه های سفر پیدایش این است که همه عواطف، خوش خیم نیستند. رفتار غریزی و آنی می توانند به خشونت منجر شوند. رفتار ضروری برای یک اجرا کننده عهد با خدا شامل "فکر کردن کند" و عمل بر اساس فکر و ملاحظه کاری است. این همان تفاوت میان اسحق و اسماعیل است (که درباره او آمده: "او مردی خواهد بود همچون خر وحشی؛ دست او علیه

⁴ Daniel Kahneman, *Thinking, Fast and Slow* (New York: Farrar, Straus and Giroux, 2011).

همه بلند خواهد بود و دست همه علیه او" (پیدایش ۱۲:۱۶). حتی این همان تضاد میان یعقوب و عساو است که ما را می‌رساند به باب ۲۷ سفر پیدایش. یعقوب لباس های عساو را پوشید و به پدر گفت: "من عساو، اولزادت هستم." دو بز در مراسم کوهن گادول و دو بز تهیه شده توسط ریوکا همین دوگانگی مورد بررسی ما را بازتاب می‌دهند: "دست‌ها دستان عساو هستند، اما صدا صدای یعقوب است." "ما هر یک درون خود یک عساو و یک یعقوب داریم، یعنی نیمکره مغز عاطفی / واکنشی و نیمکره مغز اندیشنده و ملاحظه‌کار. ما می‌توانیم سریع یا کند فکر کنیم. سرنوشت ما و سناریوی زندگی ما بستگی به گزینش یکی از آنها دارد. آیا زندگی ما به سوی "خدا" خواهد رفت یا به سوی "عزازل" و ناگواری های ناخوانده اتفاق؟

این است درام اخلاقی با نماد دو بز که یکی وقف خدا و دیگری وقف عزازل و در بیابان رها می‌شود. قدرت مراسم آیینی در آنجا است که منظور خود را به صورت انتزاعی - مفاهیم عقل در برابر عاطفه و مهار غریزه در برابر ارضای آن - بیان نمی‌کند. این درام اخلاقی، پرهیجان و مربوط به غرایز نهان است و خودآگاه یا ناخودآگاه، خاطره دوقلوهای یعقوب و عساو را زنده می‌کند که با هم دنیا آمدند، اما از نظر خصلت‌ها و سرنوشت با یکدیگر متفاوت بودند.

من که هستم؟ این پرسشی است که یوم کیپور ما را وادار می‌کند تا از خود بپرسیم. برای آنکه یعقوب باشیم باید عساو درون خود را مهار سازیم: همان واکنشی بودنی که ما را وادار به فروش حق اولزادی خود در ازای کاسه ای خوراک و از دست دادن وصل به ابدیت در ازای برآوردن امیال خود می‌سازد.

شبات شالوم



برای دیگر آثار رای ساکس لطفاً از این تارنما بازدید فرمایید - www.rabbisacks.org
کلیه حقوق محفوظ است • دفتر رای ساکس توسط بنیاد عهد و گفتگو حمایت می شود

*ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی توسط
شیریندخت دقیقیان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian